

قهرمان امریکایی فلسطین

راشل کوری دختر جوان مسیحی امریکایی در ۲۷ ژانویه ۲۰۰۳ تنها ۲۲ سال داشت که به نوار غزه سفر کرد، سفری که بازگشتی در کارش نبود و او را به یک اسطوره تبدیل کرد.

در اولین شب اقامتش در شهر رفح در جنوب نوار غزه با دو نفر از فعالان خارجی که می‌خواستند با نصب تابلوهایی که روی آنها نوشته بودند «افراد بین‌المللی» باعث توقف تیراندازی سربازان اسرائیلی به سمت شهروندان فلسطینی شدند. می‌خواستند با سیاست «شخریب منسال، ریشه‌کن کردن درختان و ارباب شهروندان بی‌دفاع فلسطینی» مقابله کنند.

او در ۱۴ مارس ۲۰۰۳ در مصاحبه



با شبکه خبری میدل ایست گفت: «احساس می‌کنم شاهد نابودی سیستماتیک توانایی مردم برای بقا هستم. گاهی اوقات هنگام شام خوردن با مردم هشتم و حس می‌کنم انبوهی از تجهیزات نظامی اطراف ماست و قصد نابودی مردمی را دارند که با آنها در حال صرف شام هستیم.»

در ماه بهیشت طول نکشید. ۱۶ مارس ۲۰۰۳ راشل که کاور ناچنجی فلورست به تن داشت تا به راحتی دیده شود، سر راه بولدوزر ارتش رژیم صهیونیستی ایستاد تا از تخریب خانه یک داروساز فلسطینی جلوگیری کند اما بولدوزر اسرائیلی با عبور از روی راشل، جمجمه او را شکست، دنده‌های او را خرد و ریه‌های او را سوراخ کرد.

راشل کوری

گفت‌وگو

زهرا چیدری

دختر است دیگر: قلبش از جنس شیشه است و احساسش از جنس آب. روحش به لطافت شبنم صبحگاه است و وجودش چون تالاب خورشید در گاه طلوع اما همین موجود ظریف و حساس پایش که بیفتد از سنگ سخت تر می‌شود و از کوه استوار تر. کم نداریم از این دست زنان و دخترانی که عزیز خانه بودند و ناز پرورده مادر و پدر اما چایش که رسید به در قامت استوار یک مبارز قدر است کرده‌اند و زیر سخت ترین شکنجه‌ها و جانکاه‌ترین سختی‌ها خم به ابرو نیاوردند و آنچنان مقتدرانه ایستاده‌اند که کمتر مردی به پای اقتدارشان رسیده است. رضوانه میرزادباغ دختر خانم مرضیه حدیدچی (دباغ) یکی از همین دختران سرزمین ایران است که شاید در سایه شهرت و اقتدار مادر کمتر فرصت پرداختن به شجاعت و صلابت این دختر مبارز سرزمین مان فراهم شده است. دختری که در عنفوان

نوجوانی و در شرایطی که بسیاری از دختران هم‌سن و سالش در سایه ساختار فرهنگی، اجتماعی حکومت پهلوی به دنبال لباس و مدسل موی مدر روز بودند رضوانه در کنار مادرش همچون سربازی فداکار و مریدی بی‌پروا ایستاد و مبارزه کرد و در این مسیر تا سبیه‌چاله‌های زندان سساواک هم پیش رفت و تحت سخت ترین شکنجه‌ها قرار گرفت اما کوچک‌ترین رخنه‌ای در اراده‌اش ایجاد نشد. روز میلاد باسعادت حضرت معصومه(س) و روز دختر را بهانه‌ای کردیم تا رضوانه دباغ دختر مبارز انقلاب را از زبان خودش به شما معرفی کنیم.

م

مامان زمانی اقتدارشان به نمایش درمی‌آید و موفقیت‌آمیز است که با مهر و محبت مادری و مهر و محبت همسری آمیخته است. جذبیه ما همین مهر و محبت است و اگر ما با جوان امروز با همین شیوه رفتار کنیم قطعاً اسلام را با جان و دل می‌پذیریم بلکه خودشان هم مثل همان عزیزانی رفتار می‌کنند که در دوران انقلاب و دوران جنگ تحمیلی جان‌شان را که عزیزترین چیز است فدای اسلام کردند و انقلاب را آبیاری کردند. امروز هم شاهد هستیم که شهدای مدافع حرم همین سیره را در پیش گرفته‌اند. ما باعث می‌شویم فرزندان مان مصمم، معتقد، راسخ و پویا باشند یا نباشند. جقدر دغدغه من مادر این است که جوانم آگاه شود بدون افراط و تفریط. درد عظیم انقلاب ما جناحی و سیاسی‌بازی کردن هاست. در حالی که دستور قرآن و فرمایش معصوم خیلی وقت‌ها با عملکرد من نوعی است که به اسم یک مسلمان باید در محیط خانه به فرزندانم به همسرم خدمت ارائه کنم مغایرت دارد. اگر ما نسبت به هر کدام از وظایفی که در قبال خانواده و اطرافیان مان داریم کم گذاشته باشیم امروز دچار دغدغه می‌شویم. اگر هر کدام از ما تکلیفمان را به درستی انجام می‌دهیم امروز قطعاً نباید جوان مان به این حد دچار چالش و انحراف می‌شد.

مامان زمانی اقتدارشان به نمایش درمی‌آید و موفقیت‌آمیز است که با مهر و محبت مادری و مهر و محبت همسری آمیخته است. جذبیه ما همین مهر و محبت است و اگر ما با جوان امروز با همین شیوه رفتار کنیم قطعاً اسلام را با جان و دل می‌پذیریم بلکه خودشان هم مثل همان عزیزانی رفتار می‌کنند که در دوران انقلاب و دوران جنگ تحمیلی جان‌شان را که عزیزترین چیز است فدای اسلام کردند و انقلاب را آبیاری کردند. امروز هم شاهد هستیم که شهدای مدافع حرم همین سیره را در پیش گرفته‌اند. ما باعث می‌شویم فرزندان مان مصمم، معتقد، راسخ و پویا باشند یا نباشند. جقدر دغدغه من مادر این است که جوانم آگاه شود بدون افراط و تفریط. درد عظیم انقلاب ما جناحی و سیاسی‌بازی کردن هاست. در حالی که دستور قرآن و فرمایش معصوم خیلی وقت‌ها با عملکرد من نوعی است که به اسم یک مسلمان باید در محیط خانه به فرزندانم به همسرم خدمت ارائه کنم مغایرت دارد. اگر ما نسبت به هر کدام از وظایفی که در قبال خانواده و اطرافیان مان داریم کم گذاشته باشیم امروز دچار دغدغه می‌شویم. اگر هر کدام از ما تکلیفمان را به درستی انجام می‌دهیم امروز قطعاً نباید جوان مان به این حد دچار چالش و انحراف می‌شد.

مامان زمانی اقتدارشان به نمایش درمی‌آید و موفقیت‌آمیز است که با مهر و محبت مادری و مهر و محبت همسری آمیخته است. جذبیه ما همین مهر و محبت است و اگر ما با جوان امروز با همین شیوه رفتار کنیم قطعاً اسلام را با جان و دل می‌پذیرند

مامان زمانی اقتدارشان به نمایش درمی‌آید و موفقیت‌آمیز است که با مهر و محبت مادری و مهر و محبت همسری آمیخته است. جذبیه ما همین مهر و محبت است و اگر ما با جوان امروز با همین شیوه رفتار کنیم قطعاً اسلام را با جان و دل می‌پذیرند

رضوانه دباغ در گفت‌وگو با «جوان» از مادرش مرضیه حدیدچی (دباغ) می‌گوید

راز موفقیت مادرم اقتدار آمیخته با محبت بود

هدفمند کار کرده لطف خدا هم شامل حالش شده است. نفس با ما بازی می‌کند جوان ما اینها را با زندگی ما، رفتار ما و مسائلی که در جامعه و حکومت اسلامی اصلاً نباید عنوان می‌شد؛ مسئول الگوست و نباید جز خدمت‌گزاری سر از پا نشانسد. به هر حال مسئولان زحمت می‌کشند مگر آن نیستیم همان‌طور که یک مادر باید نهایت تلاشش را بکند تا خانواده‌اش را به خوبی اداره کند و خدا از او راضی باشد، مسئولیت مملکت به سنگین است ولی رسالت عظیمی است و عینایی به مسئولان شده است که باید آن را پاس بدارند و اگر نمی‌توانند آن را محول به دیگری کنند.

خانم دباغ شما در دور‌های به دنیا آمدید و رشد کردید که فضای جامعه از امروز بسیار متفاوت بود. حکومت پهلوی در رأس کار قرار داشت و فضای کلی جامعه را به سمت بی بند و باری سوق می‌داد. چه شد که شما به عنوان یک دختر نوجوان تحت تأثیر این فضا قرار نگرفتید و در آن هضم نشدید و حتی در عوض در کنار مادر در قامت یک مبارز ظاهر شدید آن هم مبارزی که تا آخر راه پیش می‌رود و حتی زیر شکنجه‌های ساواک خم نمی‌شوید؟

خانواده متفاوت و مادر و پدر متفاوت است. تلاطم درونی که مادر داشتند و همچنین خواست خود من نوعی در هر مسیری که قرار می‌گیرم می‌تواند مشمر ثمر باشد اما در زندگی ما و منش ما، تربیت ایشان بسیار عمیق و تأثیر گذار است. اینکه خود مامان کجا تربیت شدند نقش پدر و مادر ایشان در این تربیت و به همین صورت وقتی استادی ایشان را طبق تکاپوی پدرم آیت‌الله سعیدی پذیرفتند، همه اینها در کنار هم موجب شد تا شرایط و تربیت متفاوتی برای ما رقم بخورد. حقیقت زندگی این است که انسان باید رشد کند و امیرالمؤمنین می‌فرمایند فرزند زمانه خودتان باشید و بر ما حجت تمام است. آن زمان هر کس زندگی خودش را می‌کرد. آقا امام حسین(ع) می‌فرمایند نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید. مامان اینها را از استادشان آیت‌الله سعیدی یاد گرفتند. نکته تربیتی مامان بیشتر عملکردی است. من در خانه دارم زندگی مامان را می‌بینم و بعد همراه مامان پای سخنرانی ایشان می‌رقتم و می‌نشستم و صحبت‌ها و عملکرد مامان را با یکدیگر مطابقت می‌دادم.

که اگر تضاد وجود داشت طبعاً شما تحت این تضاد دچار دوگانگی می‌شدید و هیچ‌گاه در یافت شما این نبود که باید در مسیر تعالی و عدالتخواهی گام بردارید.

صد در صد. ما در کنار اینکه فرزند مامان بودیم و هستیم پا به پای شاگردان مامان در محیط خانه هم تعلیم می‌دیدیم. ما در خانه هفت دختر بودیم ولی مامان چون مسئولیت سنگین‌تری داشتند و هدفشان مقدس بود از همان موقع شاگردپروری می‌کردند. خانم‌هایی که پای جلسه سخنرانی مامان می‌آمدند دختران‌شان را همراه می‌آوردند و ما بسرای این دختران هم برنامه داشتیم. مواقعی شوخی و بازی و خنده بود و برخی مواقع هم برنامه‌های فرهنگی گروهی همچون سرود و تواشج و تئاتر داشتیم. همه اینها با همکاری یکدیگر بود و همه در مجموعه‌ای با هدایتگری مامان در کنار هم بودیم. به همراه این کار گروهی فرهنگی پای سخنرانی آیت‌الله سعیدی و سخنرانی شهید صالحی هم می‌نشستیم و در نهایت اینکه مکتبی تربیت شدید.



قهرمان ۱۷ ساله مقاومت

عهد تمیمی دختر ۱۷ ساله فلسطینی است که حالا خیلی‌ها در دنیا او را به عنوان یک قهرمان می‌شناسند. «عهد تمیمی» دختری است که از سنین کودکی به دلیل ایستادگی قابل توجهش به سوزه برخی رسانه‌ها تبدیل شده بود. او از کودکی در تظاهرات‌های اعتراضی علیه اسرائیل شرکت کرده و تصاویر درگیری او با نظامیان صهیونیست بارها و بارها منتشر شده است. عهد در میان اعتراضات فلسطینیان نسبت به تصمیم دونالد ترامپ برای انتقال سفارت ایالات متحده به بیت‌المقدس و به رسمیت شناختن این شهر به عنوان پایتخت اسرائیل با حضور چندین سرباز در حیاط خانه‌اش با آنها درگیر شد. در تصویر منتشر شده از این درگیری، او نظامیان را

عهد تمیمی

هل می‌دهد و به آنها سیلی می‌زند. او به اتهام «حمله به مأموران اسرائیل، جلوگیری از انجام مأموریت آنها و تحریک دیگران به ارتکاب جرم» بازداشت شد. نهاد‌های حقوق بشری برای آزادی وی، کمپین جمع‌آوری امضا به‌راه انداختند و نویسندگان، تحلیلگران و روشنفکران مدافع فلسطین او را نماد مقاومت می‌خوانند. بن‌هرتزیج، خبرنگار آزاد و نویسنده آمریکایی می‌گوید: «ولین تصاویر عهد، اندکی پس از ملاقات من با خانواده او در روستای نبی صالح منتشر شد. او در این عکس با زوری تحیف خود را بالا برده تا به سرباز اسرائیلی که دو برابر اوست، مشت بزند زیرا سربازان برادر عهد را گرفته بودند. او یک‌شبه تبدیل به «ماد» چیزی شد که اصلاً متعلق به دنیای کودکان نیست.»

د

خانم دباغ را نباید تنها یک مبارز صرف بدانیم گرچه مبارز بودنشان بارز است ولی اگر انسان همه ابعاد فکری و توانمندی‌هایش توانست بدون مثبت بروز کند و با اخلاص باشد دو دنیا را آباد دارد



شاعر شعرهای انقلابی میدان لؤلؤ

شعر «آیات القرمزی» شاعر ۲۰ ساله بحرینی آنچنان رنگ و بوی مبارزه داشت که رژیم آل خلیفه بر اشفت و به علت قرانت شعرش در میان انقلابیون میدان لؤلؤ توسط نیروهای امنیتی منامه دستگیر شد و ۹ روز پیاپی تحت شکنجه و آزار مأموران رژیم آل خلیفه قرار داشت.

آیات القرمزی

وی با بیان اینکه رژیم آل خلیفه از شنیدن سخنان حق هراس دارد، افزود: سخن حق، حقیقت رژیم منامه را برلامی‌سازد و همین امر باعث شده این رژیم تاین میزان از گفتن یک شعر و قرانت آن ترس داشته باشد. القرمزی با تأکید بر اینکه روند مبارزاتی خود را ادامه خواهد داد و بازداشت هیچ تأثیری در اراده و تصمیمش نخواهد داشت، تصریح می‌کند روزی که شعر مذکور قرانت کرده، مبارزه با رژیم منامه را به‌عنوان هدف اتخاذ نکرده است بلکه شعرش را به‌منظور مشارکت در احقاق حقوق ملت بحرین سروده است و چنین روندی را ادامه خواهد داد. وی که پس از آزادی با استقبال بالای مردم بحرین مواجه شده، تأکید می‌کند: اصرار مردم برای رسیدن به خواسته‌هایشان من را بهت‌زده کرده و استقبالشان از من باعث شده تا سرم را بالا بگیرم.

نمای نزدیک

فرزندان ما قربانی ندانم‌کاری ما هستند!



ما با انقلاب امام گام به گام جلو فرقیسم و آن را دریافت کردیم. هر جایی که نقطه‌های موفقیت بارز و نمایان است توجه و پیگیری داشته‌ایم هر چند به خیلی از آنها هنوز نرسیده‌ایم نوعی باید ببینم در زندگی فردی و شخصی آیا همدم هستن چیزی بوده که انتخاب کرده‌ام یا دچار شده‌ام رخوت شده‌ام. اگر خود ما مصمم باشیم، قطعاً با ابعاد گوناگون فرمایش حضرت امام و همچنین با فرمایشات رهبری خودمان را مطابقت می‌کنیم. از قرآن و ولایت نباید فاصله بگیریم. جایی که می‌بینیم فرزندان ما از چنین نکاتی غفلت می‌کنند باید بدانیم آنها قربانی ندانم‌کاری‌های ما شده‌اند و می‌شوند. جوان دنبال الگوی خوب است. آن هم الگوی رفتاری نه نمایشی، وقتی جوان ما ببینند زندگی و رفتار ما با کلام‌مان متفاوت است پیش خودش می‌گوید اگر این مسلمانی است قطعاً فاصله می‌گیرد.

طبق فرمایش مقام معظم رهبری درباره دشمن‌شناسی ما دشمنی دشمن را باید جدی بگیریم. فرمایش حضرت امام هم این است که دشمن برنامه‌ریزی می‌کند، حوصله‌اش زیاد است و شما ۵۰ سال دیگر نتیجه‌اش را می‌بینید. آن‌دوی‌نگری عمیقی که حضرت امام داشتند را ما باستانفاه دقیق نمی‌شویم و تأمل نمی‌کنیم که آیاپناه‌انگیزه و تفکر بشود در عین حال از اینکه انقلابی شده خوشحالیم ولی از اینکه چه باید کنیم در برابر آن غافلیم. نقش آگاهی‌رسانی روحانیت این است که بگویندای انسان متوجه باش که نباید قرار بگیری به همین خاطر آنجایی که توانستند ترور کردند و امثال آن زیاد است. اسما باید این را

مصدق حقیقی همسرانی هم کفو

اما آنچه امروز تحت عنوان اشتغال خانم‌ها مطرح است با در یافته‌های مامان خیلی متفاوت است. اگر جایی هستیم که باید رشد و تعالی باشد انجام بدهیم و کار زمین مانده انقلاب را به دوش کس دیگری نیندازیم. مامان معتقد بودند شاید من نتوانم در خیلی موقعیت‌ها دین پدر را ادا کنم به همین خاطر اسم پدر را روی خودشان قرار دادند و همه جا مادرم را به اسم پدر و با عنوان خانم دباغ می‌شناسند در حالی که نام فامیل مادر حدیدچی بود.

آیا شما همچنان همراهی پدر را دارید؟ بله. پدرم در قید حیات هستند به لطف خدا و خیلی اهل مطالعه و دقیق و منظم زندگی‌شان را ادامه می‌دهند.

برداشتن من از صحبت‌های شما این است که مادر‌تان در کنار آنکه یکی از فعال‌ترین مبارزان دوران انقلاب و

دباغ نمونه عینی این هم‌کفو بودن بود که برای ما محقق شد. به بیان دیگر وقتی زن و شوهر هم‌فکر باشند خیلی جاها شاهد یاری و حتی ایثارگری آنها در برابر یکدیگر هستیم. در زندگی مامان و پدرم هم شاهد این ایثار و همراهی و صبوری بودیم چون گاهی وقت‌ها مامان به‌واسطه مسئولیتی که داشتند خانه نبودند. البته آن زمان‌هایی که باید مسئله تربیتی در خانه شکل می‌گرفت مادر بودند. ما ریز برنامه‌های مان آنچنان ریز بود که همه چیز سر جای خودش قرار داشت و همه کارها از غذا پختن و ظرف شستن و همه امور خانه برنامه‌ریزی داشتند و به همین خاطر در نبود مامان هم کارها طبق برنامه پیش می‌رفت اما نقطه مرکزی نقش صادر بود و آنجایی که پدر چنین تدبیری را اندیشیدند قطعاً توانایی انجامش را هم در مامان می‌دیدند. باید و لازم امروز خیلی کار خانم‌ها در خارج از منزل باب شده، نمی‌گویم نباشد

فرزندان‌شان در چه می‌دانید؟

مامان زمانی اقتدارشان به نمایش درمی‌آید و موفقیت‌آمیز است که با مهر و محبت مادری و مهر و محبت همسری آمیخته است. جذبیه ما همین مهر و محبت است و اگر ما با جوان امروز با همین شیوه رفتار کنیم قطعاً اسلام را با جان و دل می‌پذیریم بلکه خودشان هم مثل همان عزیزانی رفتار می‌کنند که در دوران انقلاب و دوران جنگ تحمیلی جان‌شان را که عزیزترین چیز است فدای اسلام کردند و انقلاب را آبیاری کردند. امروز هم شاهد هستیم که شهدای مدافع حرم همین سیره را در پیش گرفته‌اند. ما باعث می‌شویم فرزندان مان مصمم، معتقد، راسخ و پویا باشند یا نباشند. جقدر دغدغه من مادر این است که جوانم آگاه شود بدون افراط و تفریط. درد عظیم انقلاب ما جناحی و سیاسی‌بازی کردن هاست. در حالی که دستور قرآن و فرمایش معصوم خیلی وقت‌ها با عملکرد من نوعی است که به اسم یک مسلمان باید در محیط خانه به فرزندانم به همسرم خدمت ارائه کنم مغایرت دارد. اگر ما نسبت به هر کدام از وظایفی که در قبال خانواده و اطرافیان مان داریم کم گذاشته باشیم امروز دچار دغدغه می‌شویم. اگر هر کدام از ما تکلیفمان را به درستی انجام می‌دهیم امروز قطعاً نباید جوان مان به این حد دچار چالش و انحراف می‌شد.

پس به باور شما چالش اصلی امروز ما تضاد میسان حرف‌ها و عملکردهاست و نمی‌توان همه چیز را به بحث بازی دشمنان و برنامه‌ریزی‌های آنان نسبت داد. درست است؟

گرچه بخشی از این ماجرا با بازی دشمن شکل گرفته باشد اما در عمل وقتی بچه‌های مسا می‌بینند ما آن چیزی که باید، نیستیم و نتوانستیم به جایگاه حقیقی انسانیت خودمان برسیم و تکریم خود و جوانان مان که عزت اسلامی را عملاً حس کنند. عینایاتی که در فرمایشات رهبری می‌بینیم که دقیقاً عالمانه و قاطعانه و سرشار از امید جوانان را مورد خطاب قرار می‌دهند ما هم باید الگو بگیریم و نباید کلام‌مان به گونه‌ای

جمله معروفی هست که پشت هر مرد موفق یک زن فداکار وجود دارد و اینجا با زنی موفق و ویژه مواجه هستیم. نقش همراهی‌های پدرتان را در موفقیت مادر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پدرم مادر را به آیت‌الله سعیدی معرفی کردند و ایشان را بردند و ثبت نامشان کردند. در ادامه روشنگری و پیشین و تفکری که آیت‌الله سعیدی خودشان از تفکر امام روشن شدند و انقلابی درونی در وجودشان ایجاد شد و حالا آمدند شاگردپروری کردند. در بین شاگردان‌شان هم دو تا از شاگردان بسیار بارز شدند یکی مامان و دیگری آقا حاج‌مجتبی صالحی که ایشان هم روحانی بودند و به دست متناقض شهید شدند.

پس می‌توان نتیجه گرفت پدر و مادر شما هم‌کفو هم بودند. اینطور نیست؟

ما شنیدیم هم‌کفو بودن را اما حاصل زندگی خانم

ف

فرشته سفیدپوش ۲۱ ساله

رزان نجار قهرمان ۲۱ ساله‌ای است که با لباس سفید پرستاری‌اش مورد توجه تک‌تیراندازهای رژیم صهیونیستی قرار گرفت و به سوی آسمان پر کشید. بر اساس قوانین بین‌المللی حمله به بیمارستان و اسلحه کشیدن روی پزشکان و پرستاران ممنوع است. رزان نجار

رزان نجار

چون نخستین داوطلبان امدادرسان زن بود که پس از آغاز خونریزی‌ها در نوار غزه به این منطقه آمد تا بدون هیچ چشماندشی به درمان و التیام زخم‌مبارزانی بپردازد که تنها جرحشان حق طلبی است و شاید پاسداشت همین نیت پاک بود که موجب شد این امدادگر جوان به شهادت برسد. بنا به گزارش نیویورک تایمز، شاهدان عینی اعلام کردند زمانی که این امدادگر جوان سعی داشت تا به زخمی‌ها در نوار مرزی غزه اراضی اشغالی کمک کند، گلوله‌ای به قلب او اصابت کرد.

این شهیده شجاع فلسطینی در گفت‌وگو با نیویورک تایمز گفته بود: «ما یک هدف داریم و آن نجات جان مردم و خارج کردن آنها از این منطقه است و اینکه در نهایت این پیام را به جهان برسایم که بدون سلاح هم، ما قادریم هر کاری را انجام دهیم.»

